

انسان، تاریخ، انسان!

یادواره یی در بزرگداشت اسطوره های استقامت و پایداری

اسامی شهدای حزب توده ایران از یورش وحشیانه

جمهوری اسلامی - بهمن ۱۳۶۱



انسان، تاریخ، انسان!

یادواره ای در بزرگداشت اسطوره های استقامت و پایداری

«آه، ای مادر! بی گورم مگرد
نقش خون دارد نشان گور من ...
هر کجا مستی گره شد: مشت من!
زخمی هر تازیانه: پشت من!
هر کجا فریاد آزادی: منم!
من در این فریادها دم می زنم! ...
عاشقان در خون خود غلطیده اند
زندگی را زندگی بخشیده اند
زندگی زیباست ای زیبا پسند
زنده اندیشان به زیبایی رسند
آنچنان زیباست این بی بازگشت
کز برایش می توان از جان گذشت»

ها.ا. سایه

واقعیت هر پدیده را باید در تاریخ و سرگذشت آن جستجو کرد. ارزش هر پدیده در آثاری است که پدید می آورد و سرگذشت زندگی بشر در کره ما سرنوشت شگرفی است که در روند آن انسان تاریخ را می آفریند و در حرکت تاریخ به سمت تکامل انسانی نو متولد می شود. انسانی طراز نوین که قامت افراخته راه طلوع فجر صادق را علی رغم پلیدی ها، ملامت ها و دردها در پیش می گیرد و آنگاه که در این کوره راه صعب العبور به آزمون فرا خوانده می شود، زندگی را با همه زیبایی ها، امیدها و آرزوها، قربانی می کند تا نسل های آینده، فرزندان ما و فرزندان آنان پایکوبان آزادی و رهایی از چنگال ظلم، پلیدی و جهل را در آغوش کشند و روند پویا و جستجوگر حرکت بشریت به سمت خوشبختی به معنای واقعی آن و رسیدن به «آرمان شهر» رهایی انسان، در آنجا که ما استثمار را خاتمه یافته و عدالت و برابری را تحقق یافته می بینیم گامی سرنوشت ساز برداشته باشد.

و در اینجا سخن ما از چنین انسان هایی است که در نبرد خستگی ناپذیر خود برای نجات بشریت حماسه های کم نظیری از شهامت، دلاوری و استقامت آفریدند و کویر سوزان انسانیت در میهن استبداد زده ما را آبیاری کردند. و افسوس که در این مختصر تنها می توان به یادآوری کوتاه و مروری در زندگی برخی از این قهرمانان خاموش خلق اکتفا کرد و ادای حق مطلب را به زمان دیگری وا گذاشت. امید آنکه در این یادآوری کوتاه از ایثار و انسانیت آنان پیاموزیم و همانند آنان در پیکار علیه کژی ها، سازش ناپذیر، پیگیر و نستوه باشیم. و اینک دیداری دیگر با برخی از این قهرمانان خلق.

یکی از زندانیان سیاسی که عضو حزب ما نیست در مورد مقاومت حماسی برخی از رزمندگان توده ای می نویسد: «نیک آئین، به عقیده همه زندانیان مظهر مقاومت و پایداری بود. شکنجه های گوناگون برای شکستن او بی نتیجه ماند. از او می خواستند آنچه در کتابها و مقالاتش نوشته نفی کند. جواب او این بود: اگر قرار باشد روزی از زندان آزاد شوم، همان چیزی را خواهم نوشت، که قبلاً نوشته ام. و در جای دیگری در پاسخ به گروهی از حوزه علمیه قم گفت: من وقتی درباره تعاونی ها مطلب نوشتم با موافقت حزب این کار را می کردم. الان حتی یک سطر هم نخواهم نوشت. هدایت الله معلم عضو کمیته مرکزی حزب شما و یکی از فعالان انجمن همبستگی نزدیک به ۷۵ سال سن داشت و از چهره های درخشان مبارزه در زندان بود. او یک سال تمام با چشم های بسته در راهروی زندان بسر می برد. در تمام این مدت حتی یک روز نبود که شلاق نخورد و تحقیر نشود. او مانند خاری در چشم دشمن بود. او روز کارگر را در راهرو جشن می گرفت و آشکارا علیه خمینی و جمهوری اسلامی شعار می داد، چیزی که در کیفرخواست او منعکس شد. او یک کمونیست و انسان واقعی بود و همیشه یک جمله را تکرار می کرد: مطمئنم وقتی مرا به پای چوبه اعدام ببرند از حزب و طبقه کارگر دفاع خواهم کرد.

عزت الله زارع، از چهره های پرشور مبارزه در زندان بود. او همیشه از عقاید حزبی خود دفاع می کرد و می گفت: دوران زندان، دوران موقت آزمایش است و قانونمندان به پایان خواهد رسید... حسین قلمبر، سعید آذرنگ، فریبرز صالحی و ابوالحسن خطیب به خاطر موضع مثبت و دفاع قاطعانه شان از حزب در نزد زندانیان از محبوبیت ویژه ای برخوردار بودند. ابوالحسن خطیب چه در دوران شکنجه در کمیته مشترک و چه در اوین مظهر مقاومت بود به او خیلی فشار آوردند. ولی او به هیچ وجه تن به تسلیم نداد. خطیب را به شدت شکنجه کردند. او می گفت: من از شرف حزبی خود دفاع خواهم کرد. از چهره های دیگر مبارزه مهرداد دستگیر و حسین جلالی کارگر چاپخانه بود. حسین جلالی دو سال در سلول انفرادی بود و وقتی او را به سالن آوردند همه زندانیان سیاسی متفقاً او را به عنوان مسؤل سالن انتخاب کردند.»

رفیق عباس حجری از چهره های برجسته و درخشانی بود که مبارزه قهرمانانه اش در زندان گرمی و روحیه بخش سایر مبارزان بود. رفیقی از زندان در پیام به رهبری حزب از جمله گفت: «اگر روزی آزادی بود و اگر روزی دوباره فعالیتی مثل سابق بود و همه چیز مثل سابق بود، برو بیایی بود، اگر خواستید از این روزها، خلاصه حوادث که این دو سه ساله بر ما گذشته است چیزی تهیه کنید، مثلاً مجسمه ای، پیکره ای که سمبل این روزها و مقاومت باشد حتماً بگو

مجسمه عباس آقا را بسازند... آن روزها ما ها نیستیم. حتماً بگو این مرد همه چیز ما بوده و هست...».

و در گزارش دیگری می‌خوانیم: «روزانه تعدادی از رفقای حزب "حتی الموت" جیره کابل داشتند... چندین بار از زیر چشم بندهایم شاهد بودم که پاسداران برانکاری را حمل می‌کنند. صدای ناله‌های شکنجه شدگان را گاه می‌شد تشخیص داد. شبی دو نفر را در پتو پیچیده دیدم که به شدت شکنجه شده بودند، از صداهای شان تشخیص دادم که رفیق بهزادی و رفیق کیهان بودند... رفیق شلتوکی را در حالی که روی صندلی چرخ دار حمل می‌شد و پاهایش مثل متکا بزرگ و ورم کرده و باند پیچی شده بود دیدم. بدنش از شدت شکنجه به اسکلتی می‌ماند که به زحمت سرپا ایستاده بود. وزنش به ۳۰ کیلو رسیده بود. رفیق حجری و جوانشیر در بیدادگاه رژیم و در حضور حاکم شرع و نماینده دادستان جانانه از عملکرد و اندیشه‌های حزب دفاع کردند... رفیق باقرزاده در کمیته مشترک دست به خودکشی زد ولی موفق نشد. او دچار دردهای شدید عصبی، کمر درد و پادرد بود و سیاتیک و آسم او به شدت تشدید شده بود... رفیق آگاهی به هنگام دستگیری در اثر تیراندازی پاسداران به شدت زخمی شده بود، معذالک او را وحشیانه شکنجه کردند... رفیق مهدی حسنی پاک بشدت شکنجه کردند. من خود شاهد شکنجه‌های او بودم. این رفیق را هر روز با پاهای باند پیچی شده زیر شکنجه می‌بردند و پیکر نیمه جان او را تنها پس می‌آوردند... آثار سوختگی روی ساق پاهای این رفیق باقی مانده بود. او در اثر شکنجه‌های شدید دچار خونریزی طحال بود و از ناراحتی معده رنج می‌برد. رفیق ۱۷ ماه در انفرادی به سر برد و ۱۰ ماه چشم بند داشت... رفیق حسین قلمبر (سیامک) از چهره‌های تابناک مقاومت در زندان بود. رفیق سیامک بخش عمده‌ای از دوران پنج ساله و نیم زندان را در سلول انفرادی به سر برد و وحشیانه شکنجه شد». و در گزارش دیگری می‌خوانیم: «رفیق ناخدا بیگدلی دوران محکومیتش را در زندان مخوف گوهر دشت سپری کرد. او از چهره‌های تابناک مقاومت در زندان بود. او را بیش از پنج سال شکنجه کردند و آنگاه که بوی خون و کشتار در زندان‌ها به راه افتاد، رفیق بیگدلی این جمله را به عنوان وصیتی برای حزب فرستاد: باید دوباره از ریشه روئید...»

رفیق دکتر احمد دانش از چهره‌های درخشان مبارزه و رزمندگی در زندان بود. او در نامه‌ای سرگشاده به منتظری ضمن افشای جنایات رژیم خمینی از جمله نوشت: «در این مدت بارها و بارها به بهانه کج شدن چشم بند، حتی در خواب مورد ضرب و شتم قرار گرفته ام و یا شاهد ضرب و شتم دیگران بوده ام... اگر واقعاً خواهان رفع ظلم و اجرای عدالت هستید، تجدید نظر سریع در پرونده همه افرادی که به جرم سیاسی در زندان به سر می‌برند ضرورت حیاتی دارد و کوشش برای تغییر عقیده افراد از طریق اعمال فشار و زور بیهوده است...» و در نامه‌ای به دخترانش: «من زندگی را همیشه چنین خواسته ام. زندگی آرام و بی سروصدا و بدون فراز و نشیب مرا خسته و ملول می‌کرد. پایان این خط چه باشد، نمی‌دانم. هنوز معلوم نیست. ولی یک چیز مسلم است و آن اینکه هرچه پیش آید سر بلند و مغرورم...»

و از میان نوشته‌ها و خاطره‌های نقل شده برخی از رفقای شهید

رفیق فرج الله میزانی (جوانشیر) در پاسخ به حاکم شرع: «کسی که راه حزب توده ایران را برگزید، توبه نمی‌کند» و در وصیتی به حزب: «اگر روزی مرا اعدام کردند، به حزب بگوئید که من وفادار بودم.»

«خو شبختی واقعی وقتی است که آدم بتونه بدون داشتن هیچ چشمداشتی از هیچکس، زندگی اش را وقف خوشبختی و سعادت هموطنانشان و آرمان‌های بزرگ انسانی بکند و آنوقت در مقابل وجدان خودش سربلند باشد. در این صورت دیگر بزرگترین سختی‌ها در مقابل آدم هیچ است. ما مانده ایم بر سر پیمان عشق و باز ناهید صبح چون دمد آرد پیام ما...» (از میان نامه‌های رفیق شهید فرزاد دادگر).

«توده‌ای هستم و به این واقعیت افتخار می‌کنم... نه اگر هزاران بار دیگر بدینا می‌آمدم، باز جز این انتخابی در میان نبود... وه که چه سیری را طی کردیم و شگفت آنکه اندک لرزشی پیش نیامد. تند باد حوادث را به خجالت کشانیدیم... بیشتر از خودم نگران سلامتی حزب هستم... متأسفانه که جز آنکه با بیم و امید نظاره‌گر کارتان باشیم کاری از ما ساخته نیست. اما تردید ندارم که کوشش و تلاشتان بالاخره کارگر می‌افتد. این کوشش و تلاش روشنایی بخش جان عاشق ماست...» (از میان نامه‌های رفیق شهید انوشه طاهری).

«شما در بیرون در گیرودار زندگی گرفتارید. روز را شام کردن خود پیروزی است. اما اینجا دنیای دیگری است. ما در قلب زمین زندگی می‌کنیم. اینجا همه چیز عریان است. گاه خشم، گاه پوزخند، آنگاه لبخند و امید. تاریخ به پیش می‌رود. ما گوه‌های چرخ تاریخ هستیم. بردگان بر دارها، عیسی مصلوب، تاریخ را به پیش می‌رانند و اربابان سندن و منجلاب. عبور را گند می‌کنند... این بابک است خون بر چهره در در دیار ظلم... روزی تاریخ خوبی‌ها شروع می‌شود... شادی، دوستی، رقص... حتی اگر من نباشم.» (از نامه رفیق شهید حسین صفوی نیا).

«تا آخرین دم از آرمان‌هایمان دفاع می‌کنیم. راه دیگری وجود ندارد...» (رفیق شهید حیدر نیکو).

«در کمیته مشترک اصلاً نور ندیدم. شش ماه هم با چشم بسته در انفرادی بودم... اصلاً حرف نزدیم. باز جو با دودست آرواره‌هایم را باز می‌کرد تا زبان باز کنم، ولی همیشه می‌شنید: نه! نه!... من تنه‌ایم. سنگین‌ترین غروب می‌گذرد. عشق تو (همسر)، عشق خزر (فرزند) و عشق مردم در من زبانه می‌کشد: حجمی عظیم برای نبرد...» (رفیق شهید نادر مهربان).

«من طلب مغفرت کنم؟! نه هرگز! این شما هستید که باید از بهترین بچه‌های مردم بپوش بخواهید... من همیشه ای بیش نیستم و باید بسوزم. آنچه اینها در بیرون نشان می‌دهند دروغ محض است. حقیقت اینجا در زیر شلاق و تازیانه است...» (رفیق شهید داود قریشی).

کشتار جمعی زندانیان سیاسی که حزب ما به حق به آن عنوان فاجعه ملی را داد، ضربه جبران‌ناپذیری به جنبش‌های بخش و آزادی‌خواهانه کشور ما بود. در این یورش ددمنشانه رژیم آگاهانه تصمیم گرفت تا زندان‌ها را از تمامی آنانی که بر عقاید خود پایبند و استوار بودند تهی سازد و جنبش را از گروهی از زبده‌ترین و کارآمدترین رهبران، کادرها و مبارزان سیاسی برای همیشه محروم کند. در این مختصر به ناچار تنها به اختصار به گوشه‌های کوچکی از پیکار فرزندان دلاور حزب ما اشاره شده است و از کنار بسیاری نام‌ها و اسطوره‌های قهرمانی که قبل و یا بعد از فاجعه ملی به دست ددمنشان حاکم به شهادت رسیدند به ناچار گذشته ایم. ولی نام و خاطره تابناک این الماس‌های اندیشگان و پویندگان راه طریقت و انسانیت، انسان‌های طراز نوینی چون حیدر (رحمان هاتفی) سیمین‌ها (فاطمه مدرس)، و... از خاطره خلق‌های میهن ما زدودنی نیست.

تاریخ انسانیت، مدنیت و معنویت را انسان‌هایی از این دست می‌سازند و نه جانتکارانی که دیر یا زود به لعن تاریخ گرفتار خواهند آمد. افتخار و

ننگ تاریخ ابدی است. افتخار بر اسطوره های پایداری، شهامت و آزادگی که با نثار جان خود نهال آزادی و عدالت را در میهن ما آبیاری کردند و ننگ و نرفت بر جنایتکارانی که این گل های سرخ پرورده شده در دامن خلق و کوره مبارزه را این چنین از میهن ما ربودند و در خاک کردند.

به نقل از «نامه مردم» شماره ۴۸۷، ۶ شهریور ماه ۱۳۷۵

اسامی شهدای حزب توده ایران از سال ۱۳۶۱

آ

آتیک، گلعلی - از مسئولین حزبی - شهدای فاجعه ملی
آذرفر، حسن - عضو تشکیلات نظامی حزب، سرهنگ ارتش - شهدای پیش از فاجعه ملی
آذرنگ، سعید - عضو تشکیلات مخفی - عضو مشاور کمیته مرکزی - شهدای پیش از فاجعه ملی
آگاهی، عبدالحسین - عضو کمیته مرکزی، تاریخ دان و استاد دانشگاه - شهدای پیش از فاجعه ملی
آوانسیان، گآگیک - عضو کمیته مرکزی، - شهدای پیش از فاجعه ملی

الف

ابراهیمی، انوشیروان - عضو هیئت سیاسی و هیئت دبیران کمیته مرکزی - شهدای پیش از فاجعه ملی
ابرقویی، خلیل - عضو تشکیلات نظامی - افسر ارتش - شهدای پیش از فاجعه ملی
اخوان اقدام لنگرودی، ناصر - شهدای فاجعه ملی
ادریسیان، احمد - شهدای فاجعه ملی
استواری، شاپور - از رفقای شهیدی که متاسفانه حزب اطلاع بیشتری غیر از نام آنان در اختیار ندارد
اشتری، فرهاد - شهدای پیش از یورش سراسری به حزب
افتخاری، مسعود - شهدای فاجعه ملی
افخم، عبدالوهاب - از رفقای فرقه دموکرات آذربایجان - شهدای فاجعه ملی
افزایی، ابوالقاسم - عضو تشکیلات نظامی، سرهنگ ارتش - شهدای فاجعه ملی
افشاری، بهروز - راننده شرکت واحد - شهدای پیش از فاجعه ملی
افضلی، بهرام - عضو تشکیلات مخفی - فرمانده نیروی دریایی - ناخدا یکم - شهدای پیش از فاجعه ملی
اکبری کردستانی، کسری - از کادرهای حزب - زندانی رژیم شاه - شهدای فاجعه ملی
الماسپور - از رفقای شهیدی که متاسفانه حزب اطلاع بیشتری غیر از نام آنان در اختیار ندارد
الماسیان، پرویز - از رفقای شهیدی که متاسفانه حزب اطلاع بیشتری غیر از نام آنان در اختیار ندارد
الهی، پرویز - از رفقای شهیدی که متاسفانه حزب اطلاع بیشتری غیر از نام آنان در اختیار ندارد
امیرافشار، صالح - از مسئولین حزب در اهواز و فعالان جنبش کارگری - شهدای پیش از فاجعه ملی
امیر هاشمی، محمد حسین - شهدای پیش از فاجعه ملی
امیری، رسول - شهدای پیش از فاجعه ملی
اویسی، غلامرضا - شهدای پیش از فاجعه ملی

ب

بابا ترکالو، ستار - شهدای فاجعه ملی
باباخانی، مرتضی - از کادرهای برجسته حزب - شهدای پیش از فاجعه ملی
باباعلی، جمشید - از رفقای شهیدی که متاسفانه حزب اطلاع بیشتری غیر از نام آنان در اختیار ندارد
بابانژاد، ستار - از کادرهای برجسته حزب - شهدای فاجعه ملی
بابایی، تیمور - از رفقای شهیدی که متاسفانه حزب اطلاع بیشتری غیر از نام آنان در اختیار ندارد
باقرزاده، ابوتراب - عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب - ۲۵ سال زندانی رژیم شاه - شهدای فاجعه ملی
باقری، امیر - از رفقای شهیدی که متاسفانه حزب اطلاع بیشتری غیر از نام آنان در اختیار ندارد
بحرینی، اسماعیل - از رفقای شهیدی که متاسفانه حزب اطلاع بیشتری غیر از نام آنان در اختیار ندارد
بختی، مصطفی - شهدای پیش از یورش سراسری به حزب
براتی، رضا - شهدای فاجعه ملی
بستاره، عباس - شهدای فاجعه ملی
بلدی، رئوف - از مسئولین کرمانشاه - شهدای فاجعه ملی
بهرامی نژاد، ابوالفضل - عضو تشکیلات مخفی حزب - شهدای پیش از فاجعه ملی

بهرامی نژاد، محمد - عضو تشکیلات مخفی حزب - شهدای فاجعه ملی
بهزادی، سیامک - شهدای فاجعه ملی
دکتر بهزادی، منوچهر - عضو هیئت سیاسی و هیئت دبیران کمیته مرکزی - مسئول روزنامه «نامه مردم» - شهدای فاجعه ملی
بیدگلی، محسن - عضو تشکیلات نظامی - ناخدا - شهدای فاجعه ملی
بیژنی، شاپور - شهدای فاجعه ملی
بینایی ماسوله ای، خلیل، - عضو تشکیلات نظامی - سرهنگ ارتش - شهدای فاجعه ملی

■ پ

پورحبیب، ابوالفضل، - عضو تشکیلات مخفی - پاسدار - شهدای فاجعه ملی
پورهرمان، محمد - عضو کمیته مرکزی - نویسنده و مترجم برجسته (مترجم آثار لنین) - شهدای فاجعه ملی
پیماندوست، رضا - از رفقای شهیدی که متأسفانه حزب اطلاع بیشتری غیر از نام آنان در اختیار ندارد

■ ج

دکتر جاویدفر، جعفر - استاد دانشگاه - شهدای فاجعه ملی
جلالی، حسن - عضو انجمن همبستگی - شهدای فاجعه ملی
جمیلی، اسماعیل - از رفقای شهیدی که متأسفانه حزب اطلاع بیشتری غیر از نام آنان در اختیار ندارد
دکتر جودت، حسین - عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب - شهدای فاجعه ملی
جهاد، فرزاد - عضو تشکیلات مخفی - کادرهای برجسته حزب - شهدای فاجعه ملی
جهانبخش، جهانگیر - شهدای فاجعه ملی
جهانگیری، شاهرخ - عضو تشکیلات مخفی - عضو مشاور کمیته مرکزی - شهدای فاجعه ملی

■ چ

چاووشی، ابراهیم - از رفقای شهیدی که متأسفانه حزب اطلاع بیشتری غیر از نام آنان در اختیار ندارد

■ ح

حاتمی، هدایت الله - عضو کمیته مرکزی - شهدای فاجعه ملی
حاجی ملکی، اسحاق - از رفقای شهیدی که متأسفانه حزب اطلاع بیشتری غیر از نام آنان در اختیار ندارد
حاجیان نژاد، لیلی - از رفقای شهیدی که متأسفانه حزب اطلاع بیشتری غیر از نام آنان در اختیار ندارد
حاجیان نژاد، مهدی - از رفقای شهیدی که متأسفانه حزب اطلاع بیشتری غیر از نام آنان در اختیار ندارد
حجری بجستانی، عباس - عضو هیئت سیاسی و هیئت دبیران کمیته مرکزی - ۲۵ سال زندانی رژیم شاه - شهدای فاجعه ملی
حسن پور شیرازی، ابراهیم - از کادرهای برجسته حزب - شهدای فاجعه ملی
حسینی پاک، مهدی - از مسئولین کمیته ایالتی - عضو مشاور کمیته مرکزی - شهدای فاجعه ملی
حسین پور تبریزی، حسن - از سندیکالیست های برجسته حزب - شهدای فاجعه ملی
حسین خانی، محمد علی - عضو تشکیلات مخفی حزب - شهدای فاجعه ملی
حسینی نژاد، محسن - از رفقای شهیدی که متأسفانه حزب اطلاع بیشتری غیر از نام آنان در اختیار ندارد
حکیمی، سیروس - عضو تشکیلات مخفی - ناخدا - شهدای فاجعه ملی
حیدری زاده مطلق، احمد عضو سابق گروه آزادی و برابری - شهدای فاجعه ملی

■ خ

خاتمی، محمد - از رفقای شهیدی که متأسفانه حزب اطلاع بیشتری غیر از نام آنان در اختیار ندارد
خاضعی، غلامرضا - عضو تشکیلات مخفی و از کادرهای حزب - شهدای فاجعه ملی
خانباپور، حسین - شهدای فاجعه ملی
خزائلی، حسین - شهدای فاجعه ملی
خطیب، ابوالحسن - عضو سابق گروه منشعب و مشاور کمیته مرکزی - شهدای فاجعه ملی
خطیبی، اکبر - کادر برجسته حزب - شهدای فاجعه ملی
خطیبی، احمد - شهدای فاجعه ملی
خطیبی، علی اصغر - شهدای فاجعه ملی

■ د

دادگر، فرزاد - عضو سابق گروه منشعب - کادر برجسته حزب - شهدای فاجعه ملی
دادمرزی، فرج الله - کادر برجسته حزب - شهدای فاجعه ملی

دادور، بهرام - شهدای فاجعه ملی
دانش، بهرام - عضو کمیته مرکزی حزب - شهدای فاجعه ملی
دکتر دانش شریعت پناهی، احمد - عضو کمیته مرکزی حزب - شهدای فاجعه ملی
داودی، غلام - شهدای فاجعه ملی
داوری، غلامعلی - عضو تشکیلات نظامی - افسر ارتش - شهدای فاجعه ملی
درویش مخلص آبادی، نصرت الله - از کادرهای حزب و عضو کمیته مرکزی سازمان جوانان - شهدای فاجعه ملی
دستگیر، مهرداد - عضو سازمان جوانان حزب - شهدای فاجعه ملی
دلیجانی، محسن - شهدای فاجعه ملی
دلیلی، علیرضا - عضو سازمان نوید و عضو تشکیلات مخفی حزب - شهدای فاجعه ملی
دلیلی، محمد رضا - عضو سازمان نوید و عضو تشکیلات مخفی حزب - شهدای فاجعه ملی

ذ

ذوالقدر، اسماعیل - عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی - ۲۵ سال زندانی رژیم شاه - شهدای فاجعه ملی

ر

راسخ قاضیانی، حسین - عضو سازمان مخفی حزب - مشاور کمیته مرکزی - شهدای فاجعه ملی
رام، عادل - شهدای پیش از فاجعه ملی
راوندی، تیمور - شهدای فاجعه ملی
ربیعی، طوغان - عضو تشکیلات مخفی - همافر - شهدای فاجعه ملی
رجالی مند، محمد رضا - شهدای فاجعه ملی
رجالی فر، محمد رضا - عضو سازمان نوید و عضو تشکیلات مخفی حزب - شهدای فاجعه ملی
رزم دیده، آصف - عضو کمیته مرکزی - زندانی رژیم شاه - شهدای فاجعه ملی
رصدی، احمد علی - عضو کمیته مرکزی حزب - شهدای فاجعه ملی
روزه دار، عادل - شهدای فاجعه ملی
روشن زاده - از رفقای شهیدی که متأسفانه حزب اطلاع بیشتری غیر از نام آنان در اختیار ندارد
ریاحی، اسدالله - از کادرهای حزب در شهر گُرد - شهدای پیش از فاجعه ملی

ز

زارع کاشانی، عزت الله - عضو کمیته مرکزی - شهدای فاجعه ملی
زالی، محمد - شهدای فاجعه ملی
زرشناس، کیومرث - عضو کمیته مرکزی و مسئول سازمان جوانان - شهدای پیش از فاجعه ملی

س

سلامت پور، حسن - شهدای فاجعه ملی

ش

شاهسوند، ناصر - عضو تشکیلات نظامی - همافر - شهدای فاجعه ملی
شاهی، داود - شهدای فاجعه ملی
شایان، خسرو - شهدای فاجعه ملی
شعبانی، علی - شهدای فاجعه ملی
شلتوکی، رضا - عضو هیئت سیاسی و هیئت دبیران کمیته مرکزی - ۲۵ سال زندانی رژیم شاه - شهدای پیش از فاجعه ملی
شمسی، رحیم - عضو تشکیلات نظامی - شهدای پیش از فاجعه ملی
شناسایی، علی - از سندیکالیست های برجسته حزب - شهدای پیش از فاجعه ملی
شهبازی، محمد علی - از کادرهای برجسته حزب - زندانی رژیم شاه - شهدای فاجعه ملی
شهر ویرانی، مصطفی - شهدای فاجعه ملی
شیبانی، حسین - شهدای پیش از یورش سراسری به حزب

ص

صادقی، یدالله - شهدای فاجعه ملی
صالحی، فریبرز - عضو سابق گروه منشعب - مشاور کمیته مرکزی - شهدای فاجعه ملی
صدیقی چافجیری، محمد - از مسئولین حزب در رودسر - شهدای پیش از فاجعه ملی

صراف پور، حسن - عضو تشکیلات نظامی - همافر - شهدای فاجعه ملی
صفوی نیا، حسین - عضو سازمان نوید و تشکیلات مخفی حزب - شهدای فاجعه ملی
صلواتی، نادر - شهدای فاجعه ملی

■ ط

طاهری، انوشه - عضو سابق گروه آزادی و برابری - شهدای فاجعه ملی

■ ظ

ظفر حیدری، صابر - عضو تشکیلات نظامی - سرهنگ نیروی هوایی - شهدای فاجعه ملی

■ ع

عبدی، محمد حسن - عضو تشکیلات مخفی - پاسدار - شهدای پیش از فاجعه ملی
عبدی - عضو تشکیلات مخفی - شهدای پیش از فاجعه ملی
عسکری، جمشید - شهدای پیش از فاجعه ملی
عطاریان، هوشنگ - عضو تشکیلات نظامی - فرمانده نیروی زمینی و سردار زحمتکشان - شهدای پیش از فاجعه ملی
علیشاهی، گیتا - دانش آموز - شهدای پیش از فاجعه ملی
علوی، محسن - عضو کمیته مرکزی - شهدای پیش از فاجعه ملی

■ غ

دکتر غیاثوند، سیف الله - عضو تشکیلات نظامی افسر پزشکی - شهدای فاجعه ملی

■ ف

فانی، عباس - شهدای فاجعه ملی
فرامرپور، حسین - شهدای فاجعه ملی
فرجاد آزاد، مهرداد - از کادرهای برجسته حزب - شهدای فاجعه ملی
فرمندیان، عباس - از رفقای شهیدی که متأسفانه حزب اطلاع بیشتری غیر از نام آنان در اختیار ندارد

■ ق

قیاخلو، حسین - شهدای فاجعه ملی
قدمگاهی، حسین - شهدای پیش از فاجعه ملی
قربان نژاد، هوشنگ - عضو کمیته مرکزی - زندانی رژیم شاه - شهدای فاجعه ملی
قریشی، داوود - عضو تشکیلات نظامی - افسر ارتش - شهدای فاجعه ملی
قرلچی، حسن - عضو کمیته مرکزی - نویسنده برجسته خلق گرد - شهدای پیش از فاجعه ملی
قلمبر، حسین - عضو سابق گروه منشعب و مشاور کمیته مرکزی - شهدای فاجعه ملی
قناعتی، شاپور - عضو سازمان نوید و تشکیلات مخفی حزب - شهدای پیش از فاجعه ملی
قنبری، بهمن - عضو تشکیلات نظامی - افسر ارتش - شهدای فاجعه ملی
قندی، ساسان - شهدای فاجعه ملی

■ ک

کبیری، بیژن - عضو تشکیلات نظامی - سرهنگ ارتش و فاتح خرمشهر - شهدای پیش از فاجعه ملی
کمپانی، مرتضی - عضو تشکیلات مخفی - شهدای فاجعه ملی
کی منش، تقی - عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی - ۲۵ سال زندانی رژیم شاه - شهدای پیش از فاجعه ملی
کیهان، مهدی - عضو کمیته مرکزی - شهدای فاجعه ملی

■ ل

لامعی، حسین - شهدای فاجعه ملی
لاهیجانیان، محمد جواد - عضو سابق گروه منشعب - شهدای فاجعه ملی
لطفی، خسرو - از مسئولین سازمان نوید و عضو تشکیلات مخفی حزب - شهدای پیش از فاجعه ملی

■ م

محبوب، اصغر - از کادرهای برجسته حزب - شهدای فاجعه ملی

محموبیان، اکبر - از کادرهای برجسته حزب - شهدای فاجعه ملی
 محقق، عظیم - عضو تشکیلات مخفی حزب - پاسدار - شهدای پیش از فاجعه ملی
 محمدزاده، جواد - عضو تشکیلات مخفی حزب - شهدای فاجعه ملی
 محمدزاده، حسن - عضو تشکیلات مخفی حزب - شهدای فاجعه ملی
 محمدزاده (اخگر)، رفعت - عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب - شهدای فاجعه ملی
 محمدزاده، صابر - عضو کمیته مرکزی - زندانی رژیم شاه - شهدای فاجعه ملی
 محمدزاده گازرگاه، رضا - عضو تشکیلات مخفی - پاسدار - شهدای پیش از فاجعه ملی
 محمدی، علی رضا - شهدای فاجعه ملی
 مدرس، فاطمه (سیمین فردین) - عضو تشکیلات مخفی و مشاور کمیته مرکزی حزب - شهدای پس از فاجعه ملی
 مرادیور - از رفقای شهیدی که متأسفانه حزب اطلاع بیشتری غیر از نام آنان در اختیار ندارد
 مرادی، فریدون - شهدای فاجعه ملی
 معاونیان، حسین - شهدای فاجعه ملی
 معقول، حسن - عضو تشکیلات نظامی - شهدای فاجعه ملی
 معلم، هدایت الله - عضو کمیته مرکزی - شهدای فاجعه ملی
 مفیدی، محمد - شهدای فاجعه ملی
 مقیمی، قدرت الله - شهدای فاجعه ملی
 منبری، مجید - شهدای فاجعه ملی
 منوچهر آبادی، علی اصغر - عضو تشکیلات مخفی - شهدای فاجعه ملی
 موسس غفاری، حمید - از مسئولین حزب در سنندج - شهدای پیش از فاجعه ملی
 مومنی، محمد مهدی - شهدای فاجعه ملی
 مهدویان، آذرنوش - شهدای قبل از یورش سراسری به حزب
 مهربان، نادر - شهدای فاجعه ملی
 مهشید، کیوان - از کادرهای حزب - استاد دانشگاه - شهدای فاجعه ملی
 میزانی (جوانشیر)، فرج الله - عضو هیئت سیاسی و هیئت دبیران کمیته مرکزی - شهدای فاجعه ملی
 میثمی لنگرودی، حسن - شهدای فاجعه ملی

■ ن

ناظمی (نیک آیین)، امیر هوشنگ - عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب و نویسنده برجسته - شهدای فاجعه ملی
 نجفی مقدم، یدالله - شهدای فاجعه ملی
 نظامی، بهمن - از رفقای شهیدی که متأسفانه حزب اطلاع بیشتری غیر از نام آنان در اختیار ندارد
 نظامی، سید محمد - از رفقای شهیدی که متأسفانه حزب اطلاع بیشتری غیر از نام آنان در اختیار ندارد
 نعیمی، علی - شهدای فاجعه ملی
 نیکو، حیدر - شهدای فاجعه ملی

■ و

وطن خواه، اسماعیل - شهدای فاجعه ملی
 وطن خواه، محسن - از رفقای شهیدی که متأسفانه حزب اطلاع بیشتری غیر از نام آنان در اختیار ندارد

■ ه

هاثقی منفرد (مهرگان)، رحمان - از بنیانگذاران سازمان نوید - عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی - شهدای پیش از فاجعه ملی
 هاشمی، ناصر - از مسئولین حزب در سنندج - شهدای فاجعه ملی
 هاشمی نژاد، عباس - عضو تشکیلات نظامی - همافر - شهدای فاجعه ملی
 همجوار، فیروز - شهدای فاجعه ملی

درود آتشین به خاطره تابناک و جاودان شهدای توده ای و همه شهدای راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی !

انتشارات حزب توده ایران : 1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
 2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>